

## عنوان مقاله:

تحلیل ساختار روایت در متن و نگاره جنگ تیمور با سلطان محمود والی هندوستان بر مبنای الگوی کنشی گریماس

## محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره 28، شماره 3 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسندگان:

سپیده بیات - کارشناس ارشد پژوهش هنر، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

بیتا مصباح - استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

## خلاصه مقاله:

در نشانه معناشناسی، تحلیل نظام‌های روایی، چگونگی کارکرد و دریافت معنا اهمیت دارد. از ساختارگرایانی که الگویی برای شناسایی ساختار روایت ارائه داد، گریماس بود. براساس نظریه گریماس هر روایت دو سطح اصلی و ظاهری دارد که سطح اصلی مبنای تحلیل-روایت است. الگوی کنشی براساس تحلیل تقابل‌های دوگانه و زنجیره‌های روایی تحقق می‌یابد و هر نظام روایی به شش جز تقسیم گشته و یک محورکنشی را شامل می‌شود. در این پژوهش نگاره‌ای از ظرفنامه تیموری ۹۳۵ با استفاده از روش تحلیل الگوی کنشی گریماس از طریق روش اسنادی و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی شده است. در این تحقیق، طرح اصلی در ساختار روایت با استفاده از تقابل‌های دوگانه، زنجیره‌های روایی و الگوی کنشی در تصویر و روایت متن مرتبط با نگاره تحلیل شده است که از نظر ساختاری به متنی واحد تعلق دارد و در هر نگاره روایت خاص خود را داراست. همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های حاکم بر الگوی کنشی در مقایسه با متن و در نهایت ارزیابی میزان ارتباط ساختار روایی متن و نگاره با یکدیگر انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این الگو قابل انطباق با نگارگری است و نگاره با دارا بودن دو سطح زیربنایی و روبنایی در ساختار تحلیل می‌تواند یک متن یا روایت مستقل باشد.

## کلمات کلیدی:

ظرفنامه تیموری، گریماس، الگوی کنشی، روایت در نگارگری

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1888122>

